

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: میرکو لهن
فرستنده: نسترن نصرتی
۰۸ فیروزی ۲۰۲۴

جنگ با ایران؟ توصیه کارشناس امور روسیه به انعقاد پیمان نظامی بین روسیه – چین – ایران و کوریای شمالی



پس از کشته شدن سه سرباز امریکائی در حمله پهبادی که ظاهراً به یک پایگاه مرزی امریکا در اردن صورت گرفت، گمانه‌زنی‌ها درباره اقدام تلافی‌جویانه قریب‌الوقوع امریکا در جریان است، در حالی که هنوز روشن نیست که آیا پایگاه مزبور در اردن بوده است یا در سوریه. و معلوم نیست که ایالات متحده امریکا و «متحدان» آن، اقدام تلافی‌جویانه را علیه کدام کشور، کدام ارتش، یا کدام تشکیلات نظامی، انجام خواهند داد.

طی چند ماه اخیر، با وساطت چین، از روابط ایران و عربستان تنش زدائی شده و در پی آن روسیه نیز ارتباطات خود با کشورهای منطقه و ریاض را تقویت کرده بود. تهران هم طی سال‌های اخیر با در پیش گرفتن دیپلماسی فعال، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی خود را گسترش داده بود. به‌رغم این، تاکنون یک ساختار نظامی منطقه‌ای که نه تنها از ایران بلکه از کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس در برابر باج‌گیری «غرب جمعی» حفاظت کند، شکل نگرفته است.

نه کشورهای عضو بریکس، نه کشورهای عضو سازمان شانگهای، و طبعاً نه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نه می‌توانند و نه می‌خواهند برای تأمین امنیت ایران وارد عمل شوند، در عین این‌که نباید وزن سیاسی آن‌ها را دست‌کم گرفت. با توجه به تشدید بحران بین اسرائیل و فلسطین، و تشدید بحران در بحیره سرخ و یمن، ممکن است فقدان پیمان دفاعی بین کشورهای مزبور از سوی غرب به‌عنوان نقطه ضعف و «دعوتی» برای پیشروی در این خلاقیت تلقی شود. سیاست‌گزاران و رسانه‌های غرب نه از اکتوبر ۲۰۲۳ بلکه از زمان حمله حماس به اسرائیل همواره ایران را مسؤول افزایش تنش در منطقه معرفی کرده‌اند بدون این‌که دلیل معتبری برای این ادعا ارائه دهند.

پیمان دفاعی جدید

«پاول کریگ رابرتس»، اقتصاددان محافظه‌کار امریکائی و معاون وزیرمالیه در دوران ریاست جمهوری «رونالد ریگان»، هم بر همین اساس استدلال و بارها ابراز نگرانی کرده است که رفتار محتاطانه روسیه، چین و ایران از سوی واشنگتن و همپیمانان ناتوی آن ممکن است حمل بر ضعف تفسیر شود و چنین تفسیر اشتباهی ممکن است ایالات متحده آمریکا و یا اسرائیل را برای آغاز جنگ در خاورمیانه دچار وسوسه کند. «نئوکان‌های» امریکا طی سال‌ها و دهه‌های گذشته برای رسیدن به هدف غائی و آشکار خود - جنگ با ایران - تا این حد به هدف نزدیک نبوده‌اند. برای جلوگیری از تحقق این شرایط، «کریگ رابرتس» توصیه تاکتیکی - استراتژییک ذیل را ارائه داده است:

«برای روسیه، چین و ایران جلوگیری از گسترش جنگ اسرائیل علیه فلسطین بسیار آسان است. تنها کاری که باید انجام دهند عبارت است از انعقاد یک پیمان دفاعی که حمله به یک کشور عضو پیمان به منزله حمله به همه آن‌ها تلقی شود.»

متأسفانه «اقدام فعالانه» جزو نقاط قوت کشورهای نیست که واشنگتن آن‌ها را در صفوف کشورهای دشمن جای داده است. «پوتین» به بحرانی که از سال ۲۰۱۴ در اوکراین رو به گسترش بود با تأخیر زیاد واکنش نشان داد. برای مسکو، اقدام نظامی در همان دوران وقایع «میدان» در کنیف می‌توانست ظرف چند روز و با موفقیت پایان یابد. ولی با تأخیر «پوتین»، اوکراین توسط غرب تجهیز شد و جنگی که می‌توانست ظرف چند روز تمام شود به مدت دو سال است که ادامه دارد.

«کریگ رابرتس» در نهایت حکم تندی درباره بخشی از رهبران روسیه صادر می‌کند:

«بنا به تجربه‌ای که من از توانائی ذهنی لیبرال‌های روسیه دارم، برنامه آنها تسلیم در مقابل واشنگتن است. آنها ترجیح می‌دهند به‌عنوان استاد مدعو به دانشگاه‌های هاروارد، نیل و استنفورد دعوت شوند، به‌عنوان مشاور برای مؤسسات امریکائی کار کنند تا این‌که وارد درگیری با غرب شوند. از آنجائی که به اعتقاد «پوتین»، رواداری در مقابل خرابکاری نشانه اعتقاد به دموکراسی است، او با مقاومت در مقابل فشارها می‌خواهد ثابت کند که خلاف ادعای غرب مستبد نیست. اگر «پوتین» بی‌توجه به تبلیغات دشمنان، جانانه از روسیه دفاع می‌کرد می‌توانست جان‌های بی‌شماری را نجات دهد.»

نزدیکی بیشتر بین مسکو و تهران

در عین حال، «کریگ رابرتس» به برخی تغییرات در طرز تفکر کرملین اشاره می‌کند. وی با استناد به گزارش مطبوعات هند به نقل از وزارت دفاع روسیه، از قصد روسیه و ایران برای انعقاد پیمان دفاعی استقبال می‌کند. طبق گزارش مزبور، در این پیمان، دو طرف قرارداد «بر اعتقاد خود به اصول بنیادین در روابط روسیه و ایران، از جمله به رعایت بی‌قید و شرط استقلال و تمامیت ارضی طرفین تأکید خواهند کرد.

به‌نظر «کریگ رابرتس»، این خبر خوبی است. نهایتاً مسکو متوجه شد که ایران، اگر بی‌دفاع بماند، «آسیب‌پذیر خواهد بود، و اگر ایران سقوط کند، واشنگتن دسترسی مستقیم به خاک روسیه برای گسیل نیروهای جهادی به فدراسیون روسیه و جمهوری‌های آسیائی سابق شوروی خواهد داشت.»

به‌نظر «کریگ رابرتس»، مسکو باز هم مرتکب یک اشتباه شد و قصد انعقاد پیمان را پیش از این‌که قرارداد رسمیت یابد، اعلام کرد. در حال حاضر کاملاً نامعلوم است چه موقعی «همکاری‌های متقابل منعقد خواهند شد و رسمیت خواهند یافت». نتیجه‌گیری «کریگ رابرتس» روشن و واضح است: «بنابراین اعلام قصد انعقاد پیمان پیش از رسمی شدن آن حاوی پیامی برای واشنگتن و اسرائیل است: پیش از قانونی شدن پیمان به ایران حمله کنید.»

«کریگ رابرتس» با جمع‌بندی تلخی در ادامه می‌گوید که سخن گفتن درباره موضوعی کافی نیست زیرا غرب آن را جدی نخواهد گرفت. آنچه که برای غرب اهمیت دارد تنها عمل است و روسیه تاکنون در این خصوص درست عمل نکرده است. ولی او می‌گوید که قصد ندارد به پوتین اندرز دهد چون خوب می‌داند که این کار خودخواهانه، خودمحورانه و خودستایانه به‌نظر خواهد آمد. آنچه که برای او اهمیت دارد وضعیت فعلی است: «برای جلوگیری از حمله ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به ایران، باید پیمان نظامی بین روسیه، چین، ایران منعقد شود، پیمانی که احتمالاً ترکیه هم باید به آن بپیوندد.»

ایران نیاز به «سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی روسیه و راکت‌های دوربرد مافوق صوت» دارد، البته اگر تاکنون این تجهیزات را روسیه به ایران نداده باشد. جهان چندقطبی آینده که در مسکو بسیار درباره آن صحبت می‌شود، بدون «انعقاد قرارداد دفاعی متقابل بین روسیه، چین و ایران» شکل نخواهد گرفت.

نظرات «کریگ رابرتس» را «ژیلبرت دکتروف»، تاریخ‌دان امریکائی و کارشناس امور روسیه که ابداً هم مبالغه ضد روسیه نیست، تأیید کرده است. «دکتروف» در بروکسل کار می‌کند، غالباً در روسیه به‌سر می‌برد و چند سالی نماینده «کمیته امریکائی برای توافق بین روسیه و آمریکا» در اروپای غربی بوده است. این سازمان توسط «استفان اف. کوهن» تأسیس و بعدها توسط «دکتروف» احیاء شد. در دهه هفتاد میلادی، در خلال جنگ سرد، در جهت تشنج زدائی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق فعال بود و اینک نیز در جهت بهبود مناسبات ایالات متحده و روسیه، و همچنین ایجاد مذاکره در این خصوص، در امریکا فعال است.

«دکتروف» نیز، در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا اخلاق‌مداری پوتین منجر به جنگ جهانی خواهد شد؟»، ضمن حمایت از نظرات «کریگ رابرتس» نوشته است که در شرایط بحرانی فعلی، ایجاد پیمان دفاعی ضروری است تا از وقوع جنگی بزرگتر در خاورمیانه جلوگیری شود. او با تأکید و با استناد به مقاله «کریگ رابرتس» خواستار انعقاد پیمان دفاعی متقابل حتی به‌اتفاق کوریای شمالی شده است. به‌اعتقاد او، پیمان نظامی بین روسیه، ایران، کوریای شمالی و چین «هم اینک» باید منعقد شود تا تجاوز نظامی ایالات متحده و غرب در مناطق مختلف بحرانی جهان را متوقف کند. او نوشته است که البته رئیس‌جمهور چین «شی جین‌پینگ» مانند پوتین در زمینه مقابله مستقیم و تهدید ایالات متحده مردد است ولی این موضوع مسأله‌ای برای ایران و کوریای شمالی ایجاد نخواهد کرد. بنابراین، سه کشور روسیه، ایران و کوریای شمالی نباید در «انعقاد قرار داد تأخیر کنند.»

«دکتروف» تأکید دارد که «احتیاط بیش از حد پوتین و اطرافیان نزدیک وی در کرملین و در وزارت خارجه روسیه»، از سوی غرب به‌عنوان ضعف تلقی خواهد شد، امنیت روسیه را به‌خطر خواهد انداخت و علاوه بر آن خطر جنگ جهانی را نیز به‌همراه خواهد آورد. به‌اعتقاد او، ممکن است «سرگئی لاوروف» فردی فرهیخته و محترم باشد ولی یک مبارز خیابانی نیست و این آن خصوصیتی است که در لحظه فعلی روسیه به آن بیش از هر چیز نیاز دارد.»

نفوذ غرب‌گرایان لیبرال روسیه

به‌نظر «دکتروف»، سیاست وزارت خارجه روسیه برای توضیح خط مشی مسکو در قبال غرب مثال‌زدنی است. پس از هر اقدام تحقیرآمیز تازه از سوی آمریکا و کشورهای عضو ناتو، واکنش روسیه فقط غر زدن و ناله کردن است. طبعاً افرادی در کرملین وجود دارند که خواهان در پیش گرفتن سیاستی واقع‌بینانه‌تر و محکم‌تر در مقابل غرب هستند، از جمله «دیمیتری مدودوف»، نایب‌رئیس شورای امنیت روسیه، ولی در غرب کسی او را جدی نمی‌گیرد.

«دکتروف» در رابطه با نقش «تفکر روس‌های لیبرال» در روسیه و تأثیرات «زیان‌بار» آن کاملاً با «کریگ رابرتس» اتفاق‌نظر دارد. پیش از آغاز عملیات ویژه نظامی روسیه در اوکراین، بسیاری از لیبرال‌ها در اطراف رئیس‌جمهور و دفتر ریاست جمهوری کار می‌کردند، تا آن‌که «بسیاری از آن‌ها چمدان‌ها را بستند و روسیه را ترک کردند.» جای تعجب نیست که با بسیاری از این لیبرال‌های روسیه در غرب، به‌ویژه از سوی کارشناسان امریکائی در امور روسیه، با «رواداری سخاوتمندانه‌ای» برخورد شد. نه‌تنها لیبرال‌های منتقد یا دشمن روسیه، بلکه حتی کارشناسان طرفدار روسیه، مانند «استفان اف. کوهن»، غالباً از بینش لیبرال‌های روسیه استفاده می‌کردند. به‌اعتقاد «دکتروف»، پیامدهای این نفوذ لیبرال‌های روسیه هم در امور داخلی و هم در سیاست خارجی روسیه باید با تشکیل بلادرنگ پیمان دفاعی بین روسیه، چین، ایران و کوریای شمالی تصحیح شود.

منبع: راشا تودی المانی، ۳۰ جنوری ۲۰۲۴

[https://fromrussiawithlove.rtdeworld/international/۱۹۴۴۹۱ - irankrieg - russland - experte - gilbert - doctorow/](https://fromrussiawithlove.rtdeworld/international/۱۹۴۴۹۱-irankrieg-russland-experte-gilbert-doctorow/)